اصرار و التزام بر افراد القرائیه تا قرن پنجم

شاگرد: قبل از اینکه این را بخوانید. در اینجا نمیتوانست به جای اینکه بگوید «خلطت قرائتی»، بگوید همه این قرائات متواتر هستند؟

استاد: میتوانست. الآن که عرض کردم. روایات متعددی هست که حضرت امر کردند «فلیقرأ کل رجل منکم کما علم». فلذا ابن مسعود میگوید از آن چیزی که یاد گرفتید به قرائت دیگر رغبت نکنید. ولو آنها اصرار نگرفته اند که تو الآن در کتاب خدا دست میبری. بلکه گفت «ارجع الی قرائة قومک». یعنی شما مکی هستید، در مکه اید، الآن در بین اهل مکه قرائت غیر اهل مکه را نخوان. اصلاً نگفتند که تو کتاب خدا را تحریف کردی. اصلاً چنین فضایی در کار آنها نبود.

شاگرد: این نهی تعبدی بوده که از قرائت شهر خودتان تخطی نکنید؟

استاد: نهی ابن مسعود؟

شاگرد: روایات از پیامبر بوده؟

استاد: بله، حتی روایاتی که در کافی هست...؛ جمع بین اینها خیلی مهم است. یک صفحه اختصاصی در فدکیه هست. به آن مراجعه کنید. در آن جا در روایات کافی داریم: «اقرئوا کما تعلمتم»، «اقرئوا کما علمتم». فقهای بزرگ ما این روایات را از کافی میآوردند برای اینکه اینها پشتوانه آن اجماع هستند. به این معنا که همه آن قرائات جایز هستند. خود این روایت پشتوانه نبوی صلی‌الله‌علیه‌وآله دارد. یعنی لفظی که امام علیه‌السلام فرمودند همانی است که در روایات متعدد –مجموعش ۵۳ روایت است- طبری در مقدمه تفسیرش میآورد. در یکی از آنها هست: «فوجدنا عليّاً يُناجيه»؛ حضرت علی نزد حضرت بودند و داشتند نجوا میکردند. ابن مسعود میگوید وقتی نزد حضرت آمدیم و دعوایمان را گفتیم. «ثمّ أسرّ إلى عليّ عليه السلام شيئا»؛ پیامبر به امیرالمؤمنین آهسته چیزی گفتند، «فقال لنا عليّ عليه السلام: إنّ رسول اللّه صلى الله عليه و آله يأمركم أن تقرؤوا كما عُلِّمْتم».

بنابراین اینها یک سلسله روایاتی بود که میخش کوبیده شده بود. و لذا افراد القرائه بحث مهمی بوده. تا زمان دانی. دانی میگوید ما چه کنیم؟! مسلمانان به این صورت بین قرائات جمع نمی کردند؛ به این صورت که در یک جلسه دو نفر بخوانند و بگوید قرائت فلانی و قرائت فلانی. قبلاً همه افراد القرائه میکردند. یعنی رسمشان «کما علمت» بوده. بله از اول تا آخر یک قرائت را میبردند، وقتی تمام که میشد در جلسه دیگر و در ختم جدی و دوره جدی با قرائت دیگر میخواندند. این افراد القرائه است. دانی میگوید «قصرت الهمم»؛ ما دیدیم این تراث عظیم السلامی دارد از بین میرود. مشایخ دیدند که همت ها کم شده، گفتند پس ما در یک مجلس همه آنها را میگوییم که بماند. و الا اگر آن را به افراد القرائه واگذار کنیم این تراث از بین میرود. تا قرن پنجم افراد القرائه محکم بوده. اصلاً بنائشان بر این بوده.

بازبینی #2
ایجاد شده 17 آوریل 2024 15:32:49 توسط ... .

به روزرسانی شده 27 مه 2024 14:27:06 توسط ... .